

مروری بر ارتباط سبک دلبستگی و ظرفیت تأملی با علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی

A review of the relationship between attachment style and reflective functioning with symptoms of attention deficit-hyperactivity disorder

Elnaz Ghayerin

M. A. of child and adolescent clinical psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Faeze Nasirian

M. A. of child and adolescent clinical psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Seyed Javad Emadi Chashmi*

M. A. of clinical psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

javad73.june@gmail.com

Dr. Vahid Nejati

Associate Professor in cognitive neuroscience, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

الناز غایرین

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

فائزه نصیریان

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

سید جواد عمادی چاشمی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دکتر وحید نجاتی

دانشیار علوم اعصاب شناختی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Abstract

Symptoms of impulsivity, attention deficit, academic and social problems indicate signs of a disorder called attention deficit-hyperactivity disorder. With the growing interest in the last two decades to investigate the environmental factors in the etiology of this disorder, the importance of the family field and the parent and child attachment style has been considered; in the meantime, the construction of the reflective functioning (operational definition of metallization) is considered as a part of the attachment. The present study investigates the existing knowledge in the field of attachment style and reflective functioning in people with attention deficit-hyperactivity disorder and their parents, which is a systematic type of narrative. In this study, the available resources were received until 2020 by searching for the keywords of reflective functioning, metallization, attachment, attention deficit, and hyperactivity, and parenting and were finally reviewed after selection. Studies show that there is a relationship between attachment style and reflective functioning of children and their parents with the symptoms of attention deficit-hyperactivity disorder.

Keywords: attachment, reflective functioning, attention deficit- hyperactivity disorder

چکیده

علائم تکانشگری، نقص توجه، مشکلات تحصیلی و اجتماعی بیانگر نشانه‌های اختلالی به نام اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی هستند. با افزایش علاقه روزافزون در دو دهه اخیر نسبت به بررسی عوامل محیطی در سبب‌شناسی این اختلال، اهمیت حوزه‌ی خانواده و سبک دلبستگی والد و فرزند مورد توجه قرار گرفته است؛ که در این میان سازه‌ی ظرفیت تأملی (تعریف عملیاتی ذهنی‌سازی) به عنوان بخشی از دلبستگی مطرح است. پژوهش حاضر به بررسی دانش موجود در زمینه‌ی سبک دلبستگی و ظرفیت تأملی در افراد مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی و والدین آنها پرداخته است؛ که از نوع نظام‌مند روایتی است. در این پژوهش منابع در دسترس تا ۲۰۲۰ با جستجوی کلیدواژه‌های ظرفیت تأملی، ذهنی‌سازی، دلبستگی، نقص توجه و بیش‌فعالی و والدگری دریافت شدند و در نهایت پس از انتخاب مورد بررسی قرار گرفتند. طبق مطالعات به نظر می‌رسد میان سبک دلبستگی و ظرفیت تأملی کودکان و والدین با بروز علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی رابطه وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، ظرفیت تأملی، اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی.

ویرایش نهایی: آذر ۹۹

پذیرش: تیر ۹۹

دریافت: خرداد ۹۹

نوع مقاله: مروری سیستماتیک

مقدمه

اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی^۱ با علائمی همچون بیش‌فعالی، تکانشگری و نقص توجه و بروز مشکلات در سطح روابط اجتماعی فرد شناخته می‌شود (هامفریز، گلان، تننهام و لی، ۲۰۱۶). گرچه در گذشته در بررسی سبب‌شناسی اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی اغلب توجه

¹ Attention deficit hyperactivity disorder (ADHD)

² Humphreys, Galán, Tottenham & Lee

متمركز بر عوامل ارثی و عصب‌شناختی بوده است؛ در دو دهه‌ی اخیر توجه بیشتری به بررسی اهمیت محیط در بروز نشانه‌های این اختلال شده است (كاوالینا، پازاگلی، گیگلری و مازسچی^۱، ۲۰۱۵). یکی از ابعاد محیط برای بررسی این افراد شیوه‌ی والدگری والدین آنان است؛ که از این میان می‌توان رفتارهای والدین و سبک دلبستگی^۲ و ظرفیت تأملی^۳ والدین و کودکان را مورد بررسی قرار داد (كاوالینا و همکاران، ۲۰۱۵).

گستره‌ی ویژگی‌های اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی با ابعاد مختلف رفتارهای گوناگون والدین در ارتباط است؛ مشاهده شده که رفتار مادران دارای کودک مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی در مقایسه با مادرانی که دارای فرزند با تحول طبیعی هستند؛ تنبیه‌گرانه‌تر است و همین امر می‌تواند باعث به وجود آمدن احساس ترس و گناه در کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی شود (ماگای و مک فادن^۴، ۱۹۹۵). همچنین به نظر می‌رسد که والدین دارای فرزند مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی هیجان ابراز شده^۵ بیشتری نشان می‌دهند که یکی از ابعاد آن انتقادگری بیشتر است (پرس و هنشو^۶، ۲۰۰۳). ضمن آنکه رفتار والدین بر علائم اختلال کودک اثر می‌گذارد، رفتارهای چالش‌برانگیز کودک مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی نیز می‌تواند بر رفتار والدینش اثر بگذارد (كاوالینا و همکاران، ۲۰۱۵). به عقیده لادنیر و ماساناری^۷ (۲۰۰۱) چرخه‌ای میان والد و کودک مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی شکل می‌گیرد که می‌تواند اختلال وی را تشدید کند؛ به عنوان مثال زمانی که کودک هیجان منفی را تجربه می‌کند؛ به دلیل خودکنترل‌گری پایین با رفتارهای غیرمنتظره و توجه‌طلبانه آن‌ها را با والدین مطرح می‌کند، والدین از این بابت رنجیده خاطر می‌شوند و با انتقادگری یا خشونت جسمی رفتارهای کودک را پاسخ می‌دهند؛ کودک نیز از آن پس نسبت به والدین بی‌اعتنا شده و با رفتارهای قهری^۸ و جسورانه به والدین پاسخ می‌دهد و چون این روند منجر به افزایش کشمکش والد و فرزند می‌شود، این چرخه پا بر جا می‌ماند (لادنیر و همکاران، ۲۰۰۱). از طرفی میان کودک مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی و معلمش نیز مشابه این چرخه شکل می‌گیرد و رابطه‌ی خصمانه میان آن دو نیز شکل می‌گیرد (سمپیو، فابیو، تیزی و سدرو^۹، ۲۰۱۶).

از زمینه‌های مهم مطالعه‌ی والدگری مفهوم دلبستگی است؛ چرا که با زندگی روزمره‌ی والد و کودک آمیخته است (سمپیو و همکاران، ۲۰۱۶). رابطه‌ای که میان کودک و مراقبش ایجاد می‌شود و به بقای وی کمک می‌کند و او را از اضطراب، گرسنگی و ترس نجات می‌دهد؛ دلبستگی نام دارد (استربو، راسموسن و سیمونس^{۱۰}، ۲۰۱۶). تجارب اولیه‌ی دلبستگی ظرفیت‌های شناختی، حافظه و توجه انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و بر هیجانات و رفتار فرد اثر می‌گذارند (ویسمارا، سچی، لوسارلی^{۱۱}، ۲۰۲۰). ذهنی‌سازی که به فهم مقاصد و نیت‌های سایرین اشاره دارد؛ بخشی از دلبستگی و تحول انسان است. ظرفیت والدین در تأمل بر تجارب درونی کودک برای ایجاد یک دلبستگی ایمن و طیف وسیعی از اهداف تحولی اهمیت بسیاری دارد (اسلاد^{۱۲}، ۲۰۰۵). ظرفیت تأملی یا تعریف عملیاتی ذهنی‌سازی^{۱۳} (جوریست و مهان^{۱۴}، ۲۰۰۹) به توانایی کشف ادراک ذهنی درونی خود و دیگری اشاره دارد (كاوالینا و همکاران، ۲۰۱۵). این یک ظرفیت ضروری برای فهم رفتار در سایه‌ی وضعیت روانی و مقاصد است و از طرفی نشانه‌های آشکار از توانایی ذهنی‌سازی فرد است (اسلاد، ۲۰۰۵). استعداد کسب این توانایی با انسان همراه است، و به طور فزاینده از طریق تعامل با سایرین گسترش می‌یابد (بادود، روفننج، دبانه و پروند^{۱۵}، ۲۰۱۸). علاوه بر آن، این توانایی در تنظیم هیجانات^{۱۶} به شکل منعطف و کارآمد در روابط متقابل نیز نقش دارد (ویسمارا و همکاران، ۲۰۲۰).

¹ Cavallina, Pazzagli, Ghiglieri & Mazzeschi

² Attachment

³ Reflective functioning

⁴ Magai & McFadden

⁵ Expressed emotion (EE)

⁶ Peris & Hinshaw

⁷ Ladnier & Massanari

⁸ Coercive behaviors

⁹ Sempio, Fabio, Tiezzi & Cedro

¹⁰ Storebø, Rasmussen & Simonsen

¹¹ Vismara, Sechi & Lucarelli

¹² Slade

¹³ Metallization

¹⁴ Jurist & Meehan

¹⁵ Badoud, Rüfenacht, Debbané & Perroud

¹⁶ Emotions regulation

تنظیم هیجانات به فرآیندهای بیرونی و درونی که برای نظارت، تسهیل و مهار عاطفه مثبت و منفی به کار می‌روند، اشاره دارد (ویسمارا و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به آنچه از تأثیر دلبستگی و ابعاد مختلف آن بر رفتار کودکان بیان شد؛ بررسی ابعاد مختلف دلبستگی بر علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی ضروری به نظر می‌رسد. در زمینه‌ی سبک دلبستگی و ظرفیت تأملی والدین و افراد مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی جنبه‌ای که تاکنون بیشتر مورد غفلت واقع شده است، تأثیر سبک دلبستگی والدین و بخصوص ظرفیت تأملی آنان بر اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی است (کاولینا و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به دامنه‌ی وسیع آسیب‌های حاصل از اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی و اهمیت بالای درمان و کنترل آن و همچنین اهمیت توجه به عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی این اختلال که می‌توانند به نوعی در مهار و شناسایی بهتر ماهیت این اختلال موثر باشند، انجام پژوهش در این زمینه جهت کسب بینش وسیع‌تر به منظور پیشبرد کاهش علائم و پیشرفت در درمان ضروری به نظر می‌رسد. لذا هدف این مطالعه بررسی دانش موجود در زمینه‌ی سبک دلبستگی و ظرفیت تأملی در افراد مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی و والدین آنها است.

روش

این پژوهش از نوع نظام‌مند روایتی است. برای جمع‌آوری نمونه مورد نیاز، با استفاده از پایگاه‌های جستجوی گوگل اسکولار^۱ و سید^۲ و کلید واژه‌های reflective functioning, mentalization, attachment, ADHD, parenting و یا ظرفیت تأملی، ذهنی‌سازی، دلبستگی، نقص توجه و بیش‌فعالی و والدگری بیش از ۶۰ مقاله‌ی منتشر شده تا قبل از سال ۲۰۲۰ میلادی مورد نظر قرار گرفت. در این میان مطالعات کیفی و کمی اعم از مطالعات همبستگی، موردی، مروری و غیره مورد بررسی قرار گرفتند؛ به طوری که از میان منابع در دسترس، مطالعاتی که در بین منابع هم‌راستای خود جدیدتر بودند و مفاهیم گسترده‌تری را پوشش می‌دادند؛ و همچنین آن دسته از منابعی که ارتباط بیشتری با موضوع داشتند؛ شانس انتخاب بیشتری داشتند و مطالعات قبل از سال ۱۹۹۵ میلادی به دلیل تمرکز بر مطالعات جدیدتر مورد بررسی قرار نگرفتند. همچنین مطالعات حوزه‌ی والدگری در گروه مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی که از مفهوم دلبستگی فاصله داشتند، از مطالعه‌ی حاضر حذف شدند. در نهایت با حذف تعدادی از مقالات، حجم نهایی ۴۳ مقاله خارجی و ۱ مقاله‌ی داخلی به عنوان نمونه انتخاب شده و نتایج آن‌ها مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها

بررسی پستانداران نشان داده است که رفتار مادرانه از پدانه در این گروه اهمیت بیشتری دارد؛ به طوری که رفتار وی هنگام بارداری و پس از آن بر رفتار و کارکردهای شناختی^۳ فرزندش اثر می‌گذارد (کاولینا و همکاران، ۲۰۱۵). در انسان نیز رفتار والدین بر ابعاد مختلف رفتار کودک اثر می‌گذارد؛ والدگری انتقادی و سرد می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای قهری در کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی باشد (سونگا-برکه^۴ و همکاران، ۲۰۰۹)؛ اما به نظر نمی‌رسد که ویژگی‌های اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی به تنهایی زمینه‌ساز والدگری منفی باشد (گوردون^۵ و همکاران، ۲۰۰۵). مشکلاتی مانند رابطه‌ی معیوب والد کودک، سوگ حل نشده‌ی مادر، علائم افسردگی والدین، والدگری متناقض و یا محروم کننده می‌تواند کودکان کوچک را به سمت بی‌توجهی و رفتارهای برون‌سازی^۶ سوق دهد؛ همچنین میان هیجان ابراز شده‌ی والدین و بروز علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی در کودکان رابطه وجود دارد به طوری که با افزایش میزان انتقادات علائم نیز شدت می‌یابند (استربو و همکاران، ۲۰۱۶). همین‌طور نشان داده شده است که نمرات پایین ظرفیت تأملی والدین با تعامل نامناسب والد-کودک، گزارش حالت ناراحت کودک توسط مادر، گزارش حالت منفعل کودک توسط پدر، استرس والدگری و افسردگی بیشتر در مادر و پدر (ویسمارا و همکاران، ۲۰۲۰) و میزان گزارش بالاتر رفتارهای برون‌سازی مانند پرخاشگری و قانون‌شکنی در کودکان

¹ Google Scholar

² Sid

³ Cognitive functions

⁴ Sonuga-Barke

⁵ Gordon

⁶ Externalizing

ارتباط دارد (دجکو، جانوز، جوزفیک^۱، ۲۰۲۰). از طرفی مشکلات تنظیم هیجانی کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی را تا حدودی می‌توان به ضعف در دلبستگی نسبت داد (ماگای، ۱۹۹۹). این طور استنباط شده است که رابطه‌ی والد فرزند هم بر ایجاد اختلال دلبستگی و هم در بروز علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی تأثیر دارد (استربو و همکاران، ۲۰۱۶). در این میان دو زمینه در مطالعات مربوط به دلبستگی و اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی وجود دارد؛ که یکی به سبک دلبستگی در افراد مبتلا به این اختلال پرداخته است و دیگری به سبک دلبستگی والدین آنها اشاره دارد. البته اغلب به سبک دلبستگی در افراد مبتلا به این اختلال پرداخته‌اند (کاولینا و همکاران، ۲۰۱۵).

الف) دلبستگی در اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی:

کودکان دارای سبک دلبستگی ناامن، در خود کنترل‌گری و کنترل انگیزه‌های تکانشگرانه‌ی خود از چندین منظر در طول زندگی با مشکل مواجه هستند (بلسکی^۲، ۱۹۹۹) و علائمی مشابه علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی دارند (کلارک، آنگر، چاهوند، جانسون و استیفل^۳، ۲۰۰۲). از سوی دیگر کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی در مقایسه با کودکانی که به این اختلال مبتلا نیستند؛ سبک دلبستگی امن را کمتر بروز می‌دهند، اعتماد به نفس آنها پایین‌تر است و میزان اجتناب بالاتری دارند (سمپیو و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین مشاهده شده است که از میان کودکانی که به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند آنانی که سبک دلبستگی ناامن دارند علائم نقص توجه و بیش‌فعالی را بیشتر نشان می‌دهند (آبرینز^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر مشاهده شده است که آن دسته از کودکانی که در پرورشگاه‌ها تربیت می‌شوند نیز به مراتب علائم کمبود توجه و بیش‌فعالی بیشتری را نشان می‌دهند (کرپنر، کونر، راتر^۵، ۲۰۰۱). شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد میان علائم نقص توجه و بیش‌فعالی در کودکان دارای محرومیت شدید زود هنگام و مشکلات دلبستگی در آنان ارتباط وجود دارد؛ که از مشکلات دیگری نشأت گرفته است (کرپنر و همکاران، ۲۰۰۱). به نظر نمی‌رسد که اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی به تنهایی و با ویژگی‌های مزاجی تحریک‌پذیر منجر به بروز دلبستگی ناامن شود؛ بلکه والدگری ضعیف همراه با سایر عوامل محیطی در ایجاد مشکلات دلبستگی این گروه دخیل است (سمپیو و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین می‌توان دریافت که به طور کلی میان سبک دلبستگی ناایمن و اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی رابطه وجود دارد (کاولینا و همکاران، ۲۰۱۵)؛ که حتی این دلبستگی ناایمن می‌تواند به رابطه‌ی با معلم نیز تعمیم یابد (پینتو، تورتون، هاجز، وایت و گیلبرگ^۶، ۲۰۰۶؛ گرین، استنلی و پترز^۷، ۲۰۰۷).

ب) ظرفیت تأملی در اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی:

چون افراد مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی شناخت کمتری از هیجانات دارند، در مهارت‌های ذهن‌آگاهی^۸ ضعیف هستند و ظرفیت تأملی ضعیفی دارند؛ گروه پرخطر در زمینه‌ی ناتوانی تنظیم هیجان محسوب می‌شوند (بورا و پنتلیس^۹، ۲۰۱۶؛ پرود^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷). این عوامل در بسیاری جهات بر زندگی این افراد سایه می‌اندازد که با کیفیت زندگی این افراد آمیخته است (بادود و همکاران، ۲۰۱۸). از طرفی پژوهش نشان داده است که میان علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی با مشکلات در حوزه ذهنی‌سازی ارتباط وجود دارد (استاورو^{۱۱}، ۲۰۱۹). ذهنی‌سازی درباره‌ی این کودکان یعنی آگاه نگاه داشتن آنان نسبت به ذهنیت درونی خود که مسبب رفتارهای مشکل‌آفرینشان است؛ اما هیجانات شدیدی که این کودکان تجربه می‌کنند مانع از حفظ این آگاهی می‌شود (کانوی، لیون، سیلبر و دونات^{۱۲}، ۲۰۱۹). اگر این اتفاق نیفتد این کودکان هیجاناتشان را بهتر مدیریت می‌کنند و متعاقباً والدین آنان نیز با هیجانات تنظیم شده واکنش نشان می‌دهند (کانوی و همکاران، ۲۰۱۹). نمرات به دست آمده از پرسشنامه مربوط به ظرفیت تأملی افراد مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی، حد وسط نمرات افراد با تحول طبیعی و اختلال شخصیت مرزی^{۱۳} قرار دارد؛ لذا می‌توان اینگونه استنباط کرد که

¹ Dejko-Wańczyk, Janusz & Józefik

² Belsky

³ Clarke, Ungerer, Chahoud, Johnson & Stiefel

⁴ Abrines

⁵ Kreppner, O'Connor, Rutter

⁶ Pinto, Turton, Hughes, White & Gillberg

⁷ Green, Stanley & Peters

⁸ Mindfulness

⁹ Bora & Pantelis

¹⁰ Perroud

¹¹ Stavrou

¹² Conway, Lyon, Silber & Donath

¹³ Borderline personality disorder

کسب نمره پایین تر در اندازه گیری ظرفیت تأملی با ضعف در کنترل خشم، سطح بالای تکانشگری و علائم اختلال نقص توجه-بیش فعالی مربوط است (پرود و همکاران، ۲۰۱۷).

ج) دل بستگی در والدین افراد مبتلا به اختلال نقص توجه و بیش فعالی:

مشکلات دل بستگی والدین نیز با علائم اختلال نقص توجه-بیش فعالی در کودکان ارتباط دارد. به نظر می رسد که در اختلال نقص توجه-بیش فعالی اساسی عوامل ژنتیکی بیشترین نقش را به خود اختصاص می دهند، اما در حضور علائم این اختلال، عوامل دل بستگی نقش وسیعتری در سبب شناسی دارند (استریو و همکاران، ۲۰۱۶). یکی از مؤلفه های عملکرد کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی، سلامت روان و بالاخص سطح استرس والدین است؛ و استرس مادرانه از طریق تأثیر بر کیفیت زندگی بر عملکرد کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی اثر می گذارد (ایوانز، اسکابراز، مالرنی^۱، ۲۰۲۰). استرس والدین امر شایعی در خانواده های دارای فرزند مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی است که منجر به افزایش مشکلات رفتاری در خردسالان نیز می شود (بروکس و هاروی^۲، ۲۰۱۸؛ گوردون و هینشو، ۲۰۱۷) و با مشکلات درونی سازی^۳ و برونی سازی بعدی در کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی رابطه دارد (گوردون و هینشو، ۲۰۱۷). از سوی دیگر کودکان مبتلا به این اختلال نیز می توانند سطح استرس والدین را بالا ببرند (گوردون و همکاران، ۲۰۱۷). شواهد نشان می دهد که مراقبین کودک مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی خستگی، اضطراب، خشم، ناامیدی و درماندگی بیشتری را گزارش می کنند (کورکوران، چیلدت، هاجبروکنر و ایبل^۴، ۲۰۱۷). همین امر می تواند بر سازگاری والدین اثر بگذارد؛ به علاوه این سطح از استرس والدین می تواند در سطح زیستی نیز بر کودک اثر بگذارد؛ به طوری که شواهد نشان می دهد سطح بالای استرس مادرانه با میزان پاسخگویی نامتناسب کورتیزول کودک مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی رابطه دارد؛ و نشان می دهد که این میزان استرس می تواند بر ساختارهای عصبی کودک اثر بگذارد (کورپا^۵ و همکاران، ۲۰۱۷). ناامنی سبک دل بستگی والد نیز می تواند چنین سطح بالایی از استرس را در وی ایجاد کرده باشد. از طرفی نمرات پایین تر کسب شده توسط مادر در مؤلفه های اجتناب و اضطراب سبک دل بستگی خود (یعنی ایمنی بیشتر مادر)؛ با میزان تاب آوری بالاتر در برابر کودک مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی رابطه دارد؛ بنابراین می توان این طور استنباط کرد که سبک دل بستگی والد می تواند میزان تاب آوری والد را تسهیل کند (دارلینگ راسموسن، بلنبرگ، کیروباکاران و استریو^۶، ۲۰۲۰). همچنین ناامنی مادر، و نه پدر، با برخی رفتارهای بیش فعالی و زودرنجی در کودکان مرتبط است (کسگن^۷ و همکاران، ۲۰۰۹)؛ کاربیکاوغلو و ردپمن^۸، ۲۰۱۰). از طرفی راهکارهای مناسب روش هایی هستند که استرس شرایط پیچیده را کاهش می دهند و با استفاده از آن ها والدین دارای کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی احساس تسلط بیشتری می کنند؛ اما والدین دارای کودکان مبتلا به این اختلال معمولاً راهکارهای مقابله ای ناکارآمدتری را نسبت به والدین دارای فرزند با تحول طبیعی استفاده می کنند (کرگ^۹ و همکاران، ۲۰۲۰). آنان اغلب از راهکارهای متمرکز و همراه با پشتیبانی اجتماعی اجتناب می کنند (کرگ و همکاران، ۲۰۲۰). حساسیت والد نیز عامل مهمی است؛ بیشتر بودن حساسیت مادر در سنین پایین با کمتر بودن علائم بیش فعالی و نقص توجه در سنین بالاتر مرتبط است (چوئنی، لمبریگتزر، ورهالست، تریمیر، کوک^{۱۰}، ۲۰۱۹). همچنین زمانی که حساسیت پدانه شامل حمایت هیجانی، فقدان خصومت، و احترام به خودمختاری کودک، ضعیف باشد و دیدگاه مادر نسبت به کودک مثبت نباشد، می تواند پیش بینی کننده اختلال نقص توجه-بیش فعالی در اواسط کودکی باشد. از سوی دیگر سردی و حساسیت ضعیف مادر می تواند پیش بینی کننده علائم این اختلال در سنین بالاتر باشد (کی اون^{۱۱}، ۲۰۱۲). ناامنی دل بستگی میان کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش فعالی و مادرانشان بالا است و کودکانی که نگرانی از وضعیت روانی مادر آن ها بیشتر است ناامنی بیشتری را هم گزارش می کنند (راسموسن و همکاران، ۲۰۱۹). والدگری مقتدرانه ای مادر، شامل ارتباط گرم و حمایت کننده و تنظیم قوانین پایدار و توضیح آنها به همراه استفاده از دارو به سازگاری خانواده های دارای کودک مبتلا به اختلال

¹ Evans, Sciberras & Mulraney

² Breaux & Harvey

³ Internalizing

⁴ Corcoran, Schildt, Hochbrueckner & Abell

⁵ Korpa

⁶ Darling Rasmussen, Bilenberg, Kirubakaran & Storebø

⁷ Kissgen

⁸ Karabekiroğlu & Rodopman Arman

⁹ Craig

¹⁰ Choenni, Lambregtse-van den Berg, Verhulst, Tiemeier & Kok

¹¹ Keown

نقص توجه-بیش‌فعالی کمک می‌کند (تنکرد و گریف^۱، ۲۰۱۵). والدینی که روش‌های محافظت از خود^۲ پیچیده‌تری به کار می‌برند؛ که ناشی از آسیب‌های حل نشده است؛ به مراتب حساسیت کمتری در تعاملشان دارند. این امر موجب ضعف در درک نشانه‌های حالات و ناتوانایی در تنظیم متقابل هیجان‌ها و احساسات با فرزند است (سیرجانن، هاتاماکی، پلشکوا و مالینمی^۳، ۲۰۱۹).

د) ظرفیت تأملی در والدین افراد مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی:

ظرفیت تنظیم هیجانی والدین با حساسیت پاسخگویی آنان به رنج و ناراحتی کودک و با واکنش‌های انضباطی آنان در ارتباط است (گرشای و گری^۴، ۲۰۱۸). والدینی که توانایی بهتری در مدیریت هیجان‌ها خود دارند بهتر می‌توانند خشم خود را کنترل کنند و با خصومت کمتری واکنش نشان می‌دهند و همین‌طور والدی که بهتر می‌تواند ذهنیت کودک خود را درک کند کمتر از رفتار مشکل‌آفرین کودک خود خشمگین می‌شود. بنابراین در چنین شرایطی رفتارهای خصومت‌آمیز و اجباری از خود نشان نمی‌دهد (گرشای و همکاران، ۲۰۱۸). از طرفی با بررسی مادران و پدران دارای کودک مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی مشاهده شده است که؛ این والدین در مقایسه با گروه کنترل نمرات بالاتری در میزان افسردگی و نمرات پایین‌تری در سازه‌ی ظرفیت تأملی کسب می‌کنند؛ که به نوبه‌ی خود می‌تواند منجر به احساس بیچارگی، درماندگی و استرس بیشتر در این والدین شود؛ و این منجر به بروز رفتار ناسازگار در والدین و کودکان شود (مازسچی^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). علاوه بر این مشاهده شده است که والدین کودکان دارای اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی در مقایسه با کودکان دارای تحول طبیعی از نظر شاخص تنش والدگری نیز تنش بیشتری دارند (یوسفی، سلطانی‌فر، و تیموری، ۱۳۸۸). این طور به نظر می‌رسد که ظرفیت‌های شناختی از طریق روابط اولیه‌ی دلبستگی توسعه می‌یابد که به کودک در زمینه‌ی نحوه‌ی آگاهی و پردازش ذهنیت‌ها کمک می‌کند (فوناجی^۶، ۲۰۰۲)؛ این در حالی است که توانایی والدین در درک ذهنیت خود و فرزندشان، ظرفیت شناختی کودکان را افزایش داده و با سبک دلبستگی رابطه دارد؛ از طرفی با گسترش توانایی کودکان در ذهنی‌سازی، انعطاف‌پذیری آنان افزایش می‌یابد و می‌تواند با موقعیت‌های گوناگون بهتر سازگار شوند؛ همچنین توانایی کنترل هیجان‌ها خود را به دست بگیرند و رفتارهای تکانشگرانه‌ی کمتری بروز دهند (کاوالینا و همکاران، ۲۰۱۵؛ فوناجی و تارگت، ۱۹۹۸). سبک دلبستگی والدین و کودکان می‌تواند علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی و اختلالات مرتبط با آن را تعدیل کند (کاوالینا و همکاران، ۲۰۱۵). همین طور به نظر می‌رسد تغییر در توانایی والدین در درک حالات فرزندشان در شرایط پراسترس و پیچیده که یکی از ابعاد ظرفیت تأملی آنان است (فوناجی، ۲۰۰۲) به عنوان یکی از عوامل خطر در بروز علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی مطرح باشد (کاوالینا و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به آن که در سال‌های گذشته بیشتر توجه بر عوامل سبب‌ساز اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی متمرکز بر عوامل ژنتیکی بوده است؛ مطالعاتی که به اهمیت تأثیر محیط و در این میان والدین بر این اختلال می‌پردازند، گسترده نیست و همچنان نیازمند پژوهش بیشتری در این حوزه هستیم. مطالعات در حوزی دلبستگی و ظرفیت تأملی والدین به منظور کسب آگاهی بیشتر از نحوه‌ی تأثیر این مفهوم بر این اختلال به خصوص در مطالعات داخلی نیازمند بررسی بیشتری است.

بحث و نتیجه‌گیری

گرچه در زمینه‌ی اطلاعات مربوط به چگونگی نقش دلبستگی و ظرفیت تأملی والدین و علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی مطالعات اندکی صورت گرفته است، و سوالات بسیاری در این زمینه مطرح است؛ اما به طور کلی با توجه به مطالعات ذکر شده به نظر می‌رسد که میان سبک دلبستگی ناایمن و ظرفیت تأملی پایین کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی و والدین آنها با علائم ناشی از این اختلال رابطه وجود دارد و با مداخله بر روی این مفاهیم می‌توانیم شاهد بهبود علائم اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی در این کودکان باشیم. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی رابطه‌ی میان سبک دلبستگی و ظرفیت تأملی والدین با سبک دلبستگی و ظرفیت تأملی کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه-بیش‌فعالی و همچنین رابطه آنها با بروز علائم این اختلال مورد بررسی قرار گیرد.

¹ Tancred & Greeff

² self-protective strategies

³ Syrjänen, Hautamäki, Pleshkova & Maliniemi

⁴ Gershy & Gray

⁵ Mazzeschi

⁶ Fonagy & Target

منابع

- یوسفی، شکیلا، سلطانی فر، عاطفه، تیموری، سعید (۱۳۸۸). مقایسه تنش والدگری مادران کودکان مبتلا به اختلال بیش فعالی و نقص توجه با مادران کودکان بهنجار. *اصول بهداشت روانی*، ۱۱(۲)، ۱۱۵-۱۲۲.
- Abrines, N., Barcons, N., Marre, D., Brun, C., Fornieles, A., & Fumadó, V. (2012). ADHD-like symptoms and attachment in internationally adopted children. *Attachment & human development*, 14(4), 405-423.
- Badoud, D., Rüfenacht, E., Debbané, M., & Perroud, N. (2018). Mentalization-based treatment for adults with attention-deficit/hyperactivity disorder: a pilot study. *Research in Psychotherapy: Psychopathology, Process and Outcome*, 21(3).
- Belsky, J. (1999). *Interactional and contextual determinants of attachment security*. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*. New York, London: Guilford Press.
- Bora, E., & Pantelis, C. (2016). Meta-analysis of social cognition in attention-deficit/hyperactivity disorder (ADHD): comparison with healthy controls and autistic spectrum disorder. *Psychological medicine*, 46(4), 699-716.
- Breaux, R. P., & Harvey, E. A. (2019). A longitudinal study of the relation between family functioning and preschool ADHD symptoms. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 48(5), 749-764.
- Cavallina, C., Pazzagli, C., Ghiglieri, V., & Mazzeschi, C. (2015). Attachment and parental reflective functioning features in ADHD: enhancing the knowledge on parenting characteristics. *Frontiers in psychology*, 6, 1313.
- Choenni, V., Lambregtse-van den Berg, M. P., Verhulst, F. C., Tiemeier, H., & Kok, R. (2019). The longitudinal relation between observed maternal parenting in the preschool period and the occurrence of child ADHD symptoms in middle childhood. *Journal of abnormal child psychology*, 47(5), 755-764.
- Clarke, L., Ungerer, J., Chahoud, K., Johnson, S., & Stiefel, I. (2002). Attention deficit hyperactivity disorder is associated with attachment insecurity. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 7(2), 179-198.
- Conway, F., Lyon, S., Silber, M., & Donath, S. (2019). Cultivating Compassion ADHD Project: A Mentalization Informed Psychodynamic Psychotherapy Approach. *Journal of Infant, Child, and Adolescent Psychotherapy*, 18(3), 212-222.
- Corcoran, J., Schildt, B., Hochbrueckner, R., & Abell, J. (2017). Parents of children with attention deficit/hyperactivity disorder: A meta-synthesis, part I. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 34(4), 281-335.
- Craig, F., Savino, R., Fanizza, I., Lucarelli, E., Russo, L., & Trabacca, A. (2020). A systematic review of coping strategies in parents of children with attention deficit hyperactivity disorder (ADHD). *Research in Developmental Disabilities*, 98, 103571.
- Darling Rasmussen, P., Bilenberg, N., Kirubakaran, R., & Storebø, O. J. (2020). Mapping factors facilitating resilience in mothers—potential clinical relevance for children with ADHD. *Nordic Journal of Psychiatry*, 1-4.
- Dejko-Wańczyk, K., Janusz, B., & Józefik, B. (2020). Understanding the Externalizing Behavior of School-Age Boys: The Role of a Mother's Mentalization and Attachment. *Journal of Child and Family Studies*, 29(1), 155-166.
- Evans, S., Sciberras, E., & Mulraney, M. (2020). The Relationship Between Maternal Stress and Boys' ADHD Symptoms and Quality of Life: An Australian Prospective Cohort Study. *Journal of Pediatric Nursing*, 50, 33-38.
- Fonagy, P., & Target, M. (1998). Mentalization: A protective factor and a focus of psychotherapy. *Psychoanalytic Dialogues*, 8(1), 28-95.
- Fonagy, P., & Target, M. (2002). Early intervention and the development of self-regulation. *Psychoanalytic Inquiry*, 22(3), 307- 335.
- Gershy, N., & Gray, S. A. (2018). Parental emotion regulation and mentalization in families of children with ADHD. *Journal of attention disorders*, 00(0), 1- 16.
- Gordon, C. T., & Hinshaw, S. P. (2017). Parenting stress as a mediator between childhood ADHD and early adult female outcomes. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 46(4), 588-599.
- Gordon, M., Antshel, K., Faraone, S., Barkley, R., Lewandowski, L., Hudziak, J., ... & Cunningham, C. (2005). Symptoms versus impairment: The case for respecting DSM-IV's Criterion D. *The ADHD Report*, 13(4), 1-9.
- Green, J., Stanley, C., & Peters, S. (2007). Disorganized attachment representation and atypical parenting in young school age children with externalizing disorder. *Attachment & human development*, 9(3), 207-222.
- Humphreys, K. L., Galán, C. A., Tottenham, N., & Lee, S. S. (2016). Impaired social decision-making mediates the association between ADHD and social problems. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 44(5), 1023-1032.
- Jurist, E. L., & Meehan, K. B. (2009). Attachment, mentalization, and reflective functioning. *Attachment theory and research in clinical work with adults*, New York, London: Guilford Press.
- KARABEKİROĞLU, K., & RODOPMAN-ARMAN, A. (2011). Parental attachment style and severity of emotional/behavioral problems in toddlerhood. *Archives of Neuropsychiatry/Noropsikiatri Arsivi*, 48(2), 147-154.
- Keown, L. J. (2012). Predictors of boys' ADHD symptoms from early to middle childhood: The role of father-child and mother-child interactions. *Journal of abnormal child psychology*, 40(4), 569-581.
- Kissgen, R., Krischer, M., Kummetat, V., Spiess, R., Schleiffer, R., & Sevecke, K. (2009). Attachment representation in mothers of children with attention deficit hyperactivity disorder. *Psychopathology*, 42(3), 201-208.
- Korpa, T., Pervanidou, P., Angeli, E., Apostolou, F., Papanikolaou, K., Papassotiropoulos, I., ... & Kolaitis, G. (2017). Mothers' parenting stress is associated with salivary cortisol profiles in children with attention deficit hyperactivity disorder. *Stress*, 20(2), 149-158.
- Kreppner, J. M., O'Connor, T. G., Rutter, M., & English and Romanian Adoptees Study Team. (2001). Can inattention/overactivity be an institutional deprivation syndrome?. *Journal of abnormal child psychology*, 29(6), 513-528.

A review of the relationship between attachment style and reflective functioning with symptoms of ...

- Ladnier, R. D., & Massanari, A. E. (2001). Treating ADHD as attachment deficit hyperactivity disorder. In *Handbook of attachment interventions* (pp. 27-65). Academic Press.
- Magai, C. (1999). Affect, imagery, and attachment: Working models of interpersonal affect and the socialization of emotion. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*. New York, London: Guilford Press.
- Magai, C., & McFadden, S. H. (1995). *The role of emotions in social and personality development: History, theory and research* (Vol. 1). Springer Science & Business Media.
- Mazzeschi, C., Buratta, L., Cavallina, C., Ghignoni, R., Margheriti, M., & Pazzagli, C. (2019). Parental reflective functioning in mothers and fathers of children with ADHD: Issues regarding assessment and implications for intervention. *Frontiers in public health*, 7, 263.
- Peris, T. S., & Hinshaw, S. P. (2003). Family dynamics and preadolescent girls with ADHD: the relationship between expressed emotion, ADHD symptomatology, and comorbid disruptive behavior. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 44(8), 1177-1190.
- Perroud, N., Badoud, D., Weibel, S., Nicastrò, R., Hasler, R., Küng, A. L., ... & Prada, P. (2017). Mentalization in adults with attention deficit hyperactivity disorder: comparison with controls and patients with borderline personality disorder. *Psychiatry research*, 256, 334-341.
- Pinto, C., Turton, P., Hughes, P., White, S., & Gillberg, C. (2006). ADHD and infant disorganized attachment: a prospective study of children next-born after stillbirth. *Journal of attention disorders*, 10(1), 83-91.
- Rasmussen, P. D., Bilenberg, N., Shmueli-Goetz, Y., Simonsen, E., Bojesen, A. B., & Storebø, O. J. (2019). Attachment Representations in Mothers and Their Children Diagnosed with ADHD: Distribution, Transmission and Impact on Treatment Outcome. *Journal of Child and Family Studies*, 28(4), 1018-1028.
- Sempio, O. L., Fabio, R. A., Tiezzi, P., & Cedro, C. (2016). Parental and teachers attachment in children at risk of ADHD and with ADHD. *Life span and disability*, 19(1), 57-77.
- Slade, A. (2005). Parental reflective functioning: An introduction. *Attachment & human development*, 7(3), 269-281.
- Sonuga-Barke, E. J., Oades, R. D., Psychogiou, L., Chen, W., Franke, B., Buitelaar, J., ... & Miranda, A. (2009). Dopamine and serotonin transporter genotypes moderate sensitivity to maternal expressed emotion: the case of conduct and emotional problems in attention deficit/hyperactivity disorder. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 50(9), 1052-1063.
- Stavrou, P. D. (2019). Outcomes of Psychodynamic Psychotherapy with Incorporated Mentalization-Focused Approaches for Children with ADHD and Mentalization Impairment. *EC Psychology and Psychiatry*, 8, 155-179.
- Storebø, O. J., Rasmussen, P. D., & Simonsen, E. (2016). Association between insecure attachment and ADHD: environmental mediating factors. *Journal of attention disorders*, 20(2), 187-196.
- Syrjänen, M., Hautamäki, A., Pleshkova, N., & Maliniemi, S. (2019). Attachment and sensitivity among parents with ADHD—a multiple-case study. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 24(2), 156-166.
- Tancred, E. M., & Greeff, A. P. (2015). Mothers' parenting styles and the association with family coping strategies and family adaptation in families of children with ADHD. *Clinical Social Work Journal*, 43(4), 442-451.
- Vismara, L., Sechi, C., & Lucarelli, L. (2020). Reflective function in first-time mothers and fathers: Association with infant temperament and parenting stress. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 100147.